

## فکر

### برابری و برادری انسانها يك گام بسوی حكومت جهانی

در مقاله گذشته تشریح شد که دعوت اسلامی باید در يك مقیاس جهانی صورت گیرد و تشکیل «حکومت جهانی» یا عبارت دیگر «انتر ناسیونالیسم اسلامی» خواسته‌ایست که بدنبال این دعوت، جامعه عمل می‌پوشد. می‌خواهیم به بینیم این حکومت جهانی بر کدام اصول فکری استوار است، عضویت ملیاردها افراد بشر با سنن و آداب و فرهنگهای گوناگون در این جامعه واحد بر اساس چه نوع طرز تفکری امکان می‌پذیرد؟ در این باره اسلام چه اصولی عرضه داشته است؟

در این باب مهمترین اصل فکری که اسلام، اعلام نموده «وحدت و یکپارچگی انسانیت و برابری و برادری همه انسانها با یکدیگر» است، همان طوریکه مبارزه آشتی ناپذیر با هر گونه عامل اختلاف و پراکندگی که به وحدت انسانیت لطمه میزند از نتایج قطعی این فکر می‌باشد و هر حلقه مقده‌اتی تأسیس جامعه جهانی محسوب می‌گردد.

تاریخ پرماجرای زندگی انسان نشان می‌دهد در هر عصری نوعی از عقاید و افکار موهوم و بی‌اساس، توده‌های بشری را از هم جدا نموده و دشمنیها و اختلافات و کینه‌های دامنه‌داری را در میان آنان پدید آورده است، این افکار ناصواب از هر دشمنی برای انسانیت زیان‌بخش تر بوده است.

تصور میشود میتوان خطرناکترین و در عین حال ریشه‌دارترین این افکار را بر تریهای نژادی، سوءاستفاده از احساسات مذهبی و در عصر حاضر ملیت پرستی افراطی بشمار آورد

گذشته از سیاستهای امپریالیستی و غلط که همواره آتش جنگ و ستیز را در میان جمعیتهای انسانی روشن نموده سه تفکر نامبرده در ایجاد نزاع و کشمکش بدترین و شومترین اثرها را بجا گذاشته است ، عقیده به برتری يك نژاد مخصوص که همواره با سماجت و اصرار غیر منطقی طرفداران آن همراه بوده ، حق زندگی و فکر ندادن به پیروان مذاهب دیگر احیاناً تشبث به اعمال وحشیانه و بیرحمانه ، افراط در احساسات ملیت پرستی و پدید ساختن حس نفرت از دیگران ، سه عامل خطرناک و زیانبخش بوده که از وحدت جامعهها مانع گشته و همیشه آنها را بجان یکدیگر انداخته است .

\* \* \*

مبارزه با این سه فکر غلط ، از هدفهای اصلی اسلام است ، این آئین آسمانی با ایجاد **يك تحول وسیع فکری و ایده ئولوژیکی** ریشه های این افکار را از بیخ برمیاندازد و اصول وحدت و یگانگی را جانین آن میکند .

اسلام يك اصل فکری مهمی را یاد آور میشود که درست در نقطه مقابل این افکار پوچ و غلط قرار دارد ، میتوان این اصل بزرگ را در این تعبیر کوتاه ، ولی رسا ، خلاصه نمود :

**«وحدت انسانیت و برادری انسانها !»** اولین احساسهای همبستگی و تعاون میان افراد گوناگون و بیشمار بشر که باید در جامعه جهانی اسلام حکمفرما باشد از این اصل ، سرچشمه میگردد و هر گونه تفاهم و احترام متقابل در میان انسانها ، در درجه اول از آن ناشی میشود .

وحدت انسانیت یعنی چه ؟ اسلام تأکید میکند که تمام افراد بیشمار انسان ، مردوزن سیاه و سفید ، متمدن و وحشی ، دانشمند و نادان و بالاخره ثروتمند و فقیر ، از نظر آفرینش به يك اصل و ریشه بر میگرددند و از يك پدر و مادر آفریده شده اند ، آنها در امتیازات اصلی انسانیت با هم شریک و همانندند ، و از راه یکی بودن اصل و ریشه و همتا نندی در امتیازات انسانی ، وحدت و یکپارچگی واقعی و حقیقی میان آنها موجود است ، هر انسانی گرچه در عالیترین شرائط زندگی باشد با هر انسان دیگر گرچه در پست ترین شرائط زندگی کند برادر است ، این برادری يك مسئله تشریفاتی نیست ، بلکه واقعی است غیر قابل انکار که باید منشأ هر گونه عواطف و مهر و محبت متقابل گردد ، هیچ انسانی حق ندارد خود را از پیکر واحد انسانی جدا بداند و روی این فکر و پندار غلط بخود حق بدهد که بر خلاف مقتضیات همبستگی و یکپارچگی قدمی بردارد !

\* \* \*

این فکر بلند و عمیق اسلامی را ، اول از نظر معارف قرآن کریم بررسی میکنیم که اولین و اساسی ترین منبع افکار و اصول اسلامی است ، قرآن درباره این فکر ، بسیار صریح و با تأکید سخن گفته است .

گرچه این کتاب آسمانی در تمام موضوعات زیبا و نافذ سخن گفته ولی درباره پاره ای از مسائل مهم عنایت و توجه خاصی مبذول داشته که مسئله مورد بحث از آن جمله است ، عنایت شدید قرآن به اصل وحدت انسانی ، با توجه به اینکه این آئین بدنبال تأسیس يك جامعه جهانی است کاملاً طبیعی میباشد و بی تردید این مسئله در خور يك چنان عنایت و اهمیت است . در قرآن کریم چنین میخوانیم :

۱ - «ای مردم ! در برابر خدایتان که همه شما را از یک فرد (يك پدر) آفریده ؛ پرهیز کاری پیشه کنید ...» (۱)

۲ - «ای مردم ! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و بشکل دسته ها و قبیله هاییتان در آوردیم تا بتوانید همدیگر را بشناسید (تشکیل شدن نسبها و فامیلهای و قبائل و جوامع مختلف ، بمنظور امکان برقراری روابط اجتماعی میان افراد بشر و تکامل در بر تو این روابط است) همانا گرامیترین شما در نزد خدا باتقوی ترین شما است .» (۲)

در این دو آیه تأکید شده که همه افراد بشر فرزندان يك پدر و مادرند و از يك ریشه و اصلند و بر آنها جز روش برادری و وحدت و یکپارچگی نمیتواند حاکم باشد ، در آیات دیگری مسئله برادری و وحدت به تعبیر «یابنی آدم» (ای فرزندان آدم ! ) بیان شده و با این خطاب که بعموم انسانها در همه زمانها و مکانها است تأکید شده که همه فرزندانك پدر و مادرند (۳)

۳ - «مردم ملت و امت یگانه ای بودند ، سپس ما پیامبران را بسوی آنان برانگیختیم تا آنان را به پادشاهی نیک بشارت دهند و از کیفر اعمال زشت بترسانند» ... (۴)

(۱) یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدة ... سوره نساء آیه (۱) .

(۲) یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکروا نثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان

اکرمکم عند الله اتقیکم ... سوره حجرات (آیه ۱۳)

(۳) یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد ، سوره اعراف (آیه ۳۰) «یا بنی آدم لایقنتکم

الشیطان» سوره اعراف (آیه ۲۶) .

(۴) کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین ... سوره بقره (آیه

در آیه بالا به این حقیقت تصریح شده که اولین جامعه بشری از یکپارچگی و وحدت و تعاون کامل برخوردار بوده و هیچگونه اختلاف و پراکندگی در آن وجود نداشته است و باینجهت ، پراکندگیها و جدائیهای موجود ، امور ساختگی ، بیش نیستند و باید برطرف گردند .

میتوانیم آیات دیگری از قرآن مجید را یاد آور شویم که همه آنها با بیانههای مختلف اصل «وحدت انسانی» را اعلام میدارند و همه بشر را دعوت میکنند عوامل جدائیها و تشتت را نابود کنند هر انسانی انسان دیگری را عضوی از پیکر بشریت و برادری از خانواده بزرگ انسانی بداند و در میان خود و او احساس بیگانگی و دوگانگی ننماید .

در گفتارهای پیشوایان بزرگ اسلام نیز «وحدت انسانی» با بیانی مؤثر و نافذ که گوئی بادل و جان هر انسان سخن میگویند ؛ مورد تأکید قرار گرفته ، پیامبر و الامام اسلام چنین فرموده :

**«ای مردم ! آفریدگار همه تان یکی است و همه تان فرزندان یک پدر هستید ؛ همه از آدم ، آفریده شده اید و آدم نیز از خاک سرشته شده ، گرامیترین فرد تان در پیشگاه خداوند پرهیزگارترین شماست ...» (۱)**

امام و پیشوای بزرگ اسلام «علی بن ابیطالب» در فرمان تاریخی و اعجاب انگیزی که خطاب بمالك اشتر فرماندار خود در کشور مصر ، صادر فرموده این حقیقت را با عالیترین تعبیر چنین بیان داشته :

**هان ای مالك ! دل ترا جایگاه رحمت به ملت خود قرار ده ؛ با آنان محبت و عطاقت فراوان داشته باش ، برای آنان چون حیوان درنده ای که جار و مال آنان را تباہ کنی ! مباش ( زیرا ) آنان یکی از دو دسته اند یا برادر دینی تو اند و یا انسانی همانند و برابر تو ! (۲)**

در جمله کوتاه ولی بزرگ و پرمعنای «یا انسانی همانند و برابر تو» بمالك اعلام شده که توده غیرمسلمان کشور مصر گرچه پیوستگی خاص اسلامی را با او ندارند ، ولی پیوستگی و همبستگی انسانی را دارند ، مانند انسانند و افرادی از خانواده بشریت ، مالك هرگز نباید در راه و رسم فرمانداری و زمامداریش این پیوستگی انسانی را فراموش کند یا کوچکترین اقدامی برخلاف حقوق انسانی آنان بعمل آورد .

در زمره روایاتی که از گفتار و رفتار پیشوای هشتم شیعه حضرت علی بن موسی الرضا (ع)

(۱) از خطبه معروف پیامبر در حج و داع .

(۲) نهج البلاغه .

آورده شده چنین میخوانیم :

درسفری که آنحضرت بخراسان میرفت ، روزی درکنار سفره خود تمام خدمتکاران سیاه و سفید را برای صرف غذا جمع کرد ، مردی از اهل بلخ که در این سفر ، همراه حضرت بود عرض کرد : بهتر بود برای غلامان و خدمتکاران سفره جدا گانه ای میگسترند !

علی بن موسی (ع) فرمود: ساکت باش ! خدای همه یکی است و پدر و مادر همه یکی است و کیفر هر کس وابسته عمل او است (۱)

ما برای اختصار، از نقل شواهد فراوان دیگری از گفتار پیشوایان مذهبی که اصل وحدت انسانیت (برابری و برادری انسانها) را بصراحت اعلام میدارد میگذریم .

\* \* \*

این اصل فکری ، تمام انسانها را برابر هم و برادر هم میخواند ، انسانیکه طرز تفکری بر اساس این اصل داشته باشد ، رابطه و پیوند ناگسستنی و دائمی میان خود و هر انسان دیگر احساس میکند . مسئله انسان دوستی ، با این طرز تفکر ، ریشه ای محکم و استوار پیدا میکند ، «احترام بحقوق انسانها» از صورت خشک و تشریفاتی بیرون آمده ، بر يك واقعیت قطعی و پیوند عاطفی تکیه میکند ، بی تردید این طرز تفکر ، اصیلترین منشأ شناسائی «حقوق بشر» میگردد که درد نیای امروز برای آن اینهمه عظمت و ارزش قائلند و بدین ترتیب «مسئله حقوق بشر» پیش از آنکه يك ارمغان اروپائی ! باشد يك فکر اسلامی میباشد که از اصل «برابری و برادری انسانها» نتیجه گشته است .

اسلام «جامعه جهانی» خود را بر اصلی این چنین واقع بینانه و استوار بنیان می نهد و پیش از آنکه به پیوستگیها و همبستگیهای ناشی از دین و فرهنگ و آداب و رسوم و مانند اینها بپردازد ، به وحدت انسانی میپردازد ، با اعلام آن هر گونه عامل فکری و ایده فلوژیکی اختلاف و پراکنندگی را بر میساند و دوازده میلیارد افراد انسانی را در هر عصر و هر زمان عضوی از پیکر واحد بشری بشمار میآورد ، هیچ جامعه جهانی از يك چنین طرز تفکر بی نیاز نمیتواند باشد و هیچ نوع وحدت جز در سایه آن سامان نمی پذیرد و بالاخره این فکر بزرگ راهی بسوی حکومت جهانی است .